

اصول ششگانه وحدت امت در سیره امام علی(ع)



به گزارش ایکننا متن کامل یادداشت به شرح زیر است: وحدت از اصول اساسی و غیرقابل چشم پوشی در سیره امام علی (ع) است. ژرفنای اثرگذاری و عمق حضور این اصل در سلوک حضرت تا آنجاست که می‌توان گفت آن حضرت همان طور که امام عدل، امام تقوا و امام آگاهی و دانش است، امام وحدت امت اسلامی نیز به حساب می‌آید. آن امام همام وحدت را همواره به مثابه یک اصل کلان، بستر ساز و پربسامد و امتداد یافته در زوایا و ابعاد مختلف جامعه پی می‌جسته و می‌خواسته است؛ به گونه‌ای که اکنون می‌توانیم به روشنی رد پای نگرش وحدت‌گرایانه امام(ع) را در شرایط و مقاطع مختلف زندگی آن حضرت بیابیم و به تحلیل آن همت گماریم.

در این نوشتار به اصولی می‌پردازیم که امام علی علیه‌السلام با لحاظ وحدت اسلامی، به مثابه موقعیتی پایه‌ای و مبنایی و به منظور حفظ و تقویت این مبنا و پایه روابط در جامعه، آنها را با قدرت و قوت

پی می‌گرفتند و به آن‌ها اهتمام داشتند:

اصل اول: اخوت اسلامی

آنچه در سیره امام علی مشاهده می‌شود تطبیق آیه شریفه «انما المومنون اخوة» به صورت تمام و کمال، و صد درصدی، بر واقعیت زندگی اجتماعی مسلمانان است. این اصل را حضرت(ع) در زندگی مسلمانان جاری و در تعاملات روزمره ایشان برقرار می‌خواستند. رویکرد امام(ع) به «انما المومنون اخوة» واقع‌گرایانه و تهی از هرگونه تعارف یا ملاحظه معطوف به موقعیتی خاص و شرایطی مقطعی بود. در نگاه آن حضرت(ع) ضرورت داشت تا تعاملات اجتماعی مسلمانان گرداگرد این اصل محوری سامان یابد و براساس آن تحقق پیدا نماید.

امام علی بن ابی‌طالب(ع) اختلافات عقیدتی و مذهبی درون امت را مجوز، عامل و یا خاستگاهی برای بر هم زدن اخوت اسلامی نمی‌دیدند؛ بلکه اخوت اسلامی را چتری گسترده و فراگیر می‌یافته است که در هر حال، و به صورتی پایدار، بر امور امت سایه می‌گسترانده است. در سخنی از امام(ع)، که در نهج‌البلاغه آمده است، خطاب به مسلمانانی که در حکومت او می‌زیستند فرموده است: انما انتم اخوان علی دین‌ا، یعنی شما کسانی هستید که براساس دین خدا برادر هم شده‌اید.

نکته جالب آنکه امام(ع) پس از این سخن، عامل اختلاف درون جامعه در روزگار خود را درونی معرفی می‌کند. از این نکته می‌توان نتیجه گرفت که امام اختلاف بین امت را بر اساس مذهب به هیچ وجه به رسمیت نمی‌شناسد. ایشان تنها از یک اختلاف سخن به میان می‌آورد و آن هم اختلافی است که منشأ آن درون‌های نامطلوب و هوای نفس است.

برای فهم آنچه آمد باید توجه نماییم که این سخن خطاب به مسلمانانی از جانب امام علی(ع) اظهار گردیده است که همه صرفاً اهل سنت یا شیعه نبودند؛ بلکه اصحاب و یاران هر دو مذهب اعتقادی مخاطب حضرت(ع) بودند؛ اگر چه جمعیت سنیان^۱ ای بسا بیشتر بوده است. به هر روی بی‌گمان این فرمایش حضرت(ع) تطبیق آیه شریفه «اخوت» است بر زندگی مسلمانانی که در سایه حکومت ایشان می‌زیستند.

اصل دوم: جلوگیری از تأثیرگذاری اختلاف در عقیده بر مناسبات اجتماعی امت

بر اساس این اصل امام(ع) به هیچ وجه مسائل اختلافی عقیدتی را در ملا عام و در ساحت سیاست^۲ و

سیاست‌گذاری و ارتباطات و تعاملات فیما بین امت اسلامی منعکس نمی‌کردند؛ هرچند امیرالمؤمنین(ع) از عقاید خود که مینا و منعکس‌کننده عقائد شیعه است در حوزه عقیده (که امروزه از آن در کرسی‌های علمی و بحثی یاد می‌شود) سخن می‌گفت؛ اما این سخن گفتن به قدری هوشمندانه، دلسوزانه، در پیوستگی با عقلانیت دینی و اجتماعی، و به دور از هرگونه اکراه و اجبار ارائه می‌شد که به هیچ وجه از آن بوی طرد و نفی اجتماعی مسلمانان معتقد به عقاید دیگر یا نفی همگرایی با آنان به مشام نمی‌رسید.

اصل سوم: تقویت هویت امت به مثابه چارچوبی فراگیر و دربرگیرنده برای همه مذاهب

حضرت(ع) به هیچ وجه اجازه نمی‌دادند که «هویت اسلامی جمعی امت» در سایه اختلافات اعتقادی، کوچک و محدود شود. به زبان دیگر ایشان نمی‌خواستند که هویت امت تحت تاثیر هویت های مذهبی تضعیف شود و کارکردی ضمنی یا بد و تبدیل به «هویت دست دوم» گردد. در سیره آن حضرت(ع) هویت اسلامی بخشی مؤثر و پررنگ از تصویر گسترده جامعه به حساب می‌آمد؛ به گونه‌ای که ادبیات، مفاهیم و رویکردها و همه ظرفیت های اجتماعی و فرهنگی با نگاه به هویت اسلامی و از خاستگاه آن معنا و عینیت پیدا می‌نمود. بدین ترتیب ذیل هویت اسلامی جامعه‌ای که او در آن می‌زیست، هویت اعتقادی شیعی یا سنی خود را در دل امت اسلامی تعریف می‌کرد و به مثابه بخشی از این امت بروز و ظهور می‌یافت.

اصل چهارم: محبت اجتماعی

آن حضرت محبت اجتماعی را بدون هرگونه ظاهر سازی یا مصلحت گرایی مقطعی و موضعی میان همه مسلمانان می‌پراکند و نسبت به تشدید و تقویت زمینه های منتهی به گسترش و ژرفنایی آن اقدام می‌نمود. حضرت(ع)، به یک معنا، محبت‌ورزی اجتماعی در میان امت را وجهه همت خویش ساخته بود و صادقانه و آگاهانه در پی توسعه و ارتقای آن بود.

اصل پنجم: اصل تناصح اجتماعی

حضرت علی(ع) در ساحت های اجتماعی و فعالیت‌های مربوط به امت، نصیحت و خیرخواهی اجتماعی را به صورت یک رویکرد جدی و عیاری برای رونق بخشی به مناسبات اجتماعی صحیح و سالم پی می‌گرفت و تعقیب می‌نمود. آن حضرت(ع)، همانطور که در تاریخ منعکس است، نصیحت های خود را آنجا که به جامعه اسلامی مربوط می‌شد و به آبادانی، دین، سلامت و وحدت جامعه باز می‌گشت، بی‌دریغ و بی هرگونه کناره گیری از امر عمومی و حوزه اجتماعی به همگان از جمله خلفای زمان خود عرضه می‌نمود. آنگاه که خود به خلافت رسید ابعاد نصیحت‌گرایی اجتماعی امام(ع) در سطوح مختلف گسترده و عرصه‌های گوناگون را درنوردید.

حضرت(ع) از نزدیکان گرفته تا عموم، و از شیعه گرفته تا سنی، همگان را مشمول سنت ارزنده نصیحت گری خویش نمود و به صورتی بی نظیر، حرکت خیرخواهانه را بر همه ارزانی داشت. نصیحت گرایی اجتماعی حضرت(ع) ابعاد مختلفی دارد و در سطوح گوناگون آن را می‌توان مطالعه کرد؛ از جمله آن که نسبت آن با اصل خیرخواهی عمومی در سلوک امام(ع) چه بود و نمودها، جلوه‌ها، راهکارها، شیوه‌ها و قالبهای بروز و ظهور آن کدامها بوده‌اند؟ پاسخگویی به این پرسش و پرداختن به زوایای مختلف این بحث طبعاً مجال دیگری می‌طلبد.

اصل ششم: اصل تواصل

واژه تواصل واژه‌ای روایی است. این اصطلاح در روایات ما وارد شده است و به معنای تبادل ارتباط و اتصال در جامعه اسلامی میان افراد به کار رفته است. تواصل به رویکردی میان شیعیان اشاره دارد که انزوای از اجتماع را برنمی‌تابد و همدلی و همراهی به مسلمانان را از شیعیان می‌خواهد. مشخصاً در سیره امام علی(ع) کشیدن دیوار به دور شیعیان و جدا کردن صف ایشان از صف اهل سنت به هیچ وجه مطلوبیت ندارد و در عمل به چشم نمی‌خورد؛ برعکس رفتار آن حضرت(ع) رویکرد به رفت و آمد اجتماعی، تماس اجتماعی، سخن گفتن با یکدیگر و مشارکت در شادی‌های و غم‌های اجتماعی همه مسلمانان به روشنی و به صورتی گسترده به چشم می‌آید. اساساً بخشی از کلمات امام علی حامل ادبیات و مفاهیم و فضای فکری معطوف به ایجاد ارتباط پیوسته اجتماعی افراد درون امت با یکدیگر است.